یادداشت: بازرگانی، بازار، بازاریابی و بازارداری

سیدخاموشی، علی نقی

اگرچه متأسفانه هرگز این شانس را نداشته‏ام که‏ مستقیما در امور بازرگانی و در بازار فعالیت داشته باشم، لیکن بنا به مقتضیات شغلی چه در کارهای صنعتی و چه‏ بعنوان خدمتگزار در اتاق بازرگانی،وزارت بازرگانی و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی،با بازرگانان و بازار ارتباط تنگاتنگ و روزانه داشته و دارم.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی،بازار در کشور ما نه فقط یک مرکز مهم اقتصادی تلقی می‏شد،بلکه در عمل،در صحنه‏های گوناگون در شمار حامیان اصلی مبارزات‏ مذهبی و ملی بود.این حمایت همه‏جانبه در حقیقت از روحیه مذهبی حاکم بر بازارهای کشور سرچشمه می‏گرفت. هر وقت یک مرجع تقلید و یک روحانی عالیقدر مورد اعتماد مردم رهبری نهضتی را به دست می‏گرفت،بازار اولین محلی بود که یکپارچه و یکدل به یاری نهضت‏ برمی‏خاست.نقش بازاریان در نهضت تحریم تنباکو و لغو انحصاران-در تمام جریانات انقلاب مشروطیت-در جریان ملی شدن صنعت نفت-در حوادث 15 خرداد سال 42-در جریان اعتصابات منجربه پیروزی انقلاب‏ شکوهمند اسلامی-در تجهیز رزمندگان از طریق خدمات‏ پشت جبهه و کمک‏رسانی و ترتیب کاروانهای کمک به‏ رزمندگان اسلام-در جریانات سالهای اخیر که همواره‏ فعالانه در صحنه بوده‏اند،نشان بارزی از احساس عمیق‏ مذهبی و میهنی اکثریت بازاریان است.طبیعی است که‏ دولت و مجلس متقابلا"وظیفه دارند بطور پیوسته در پیشبرد کار بازرگانی داخلی و خارجی کشور کوشا باشند و هر جا گرهء کوری در کار بازرگانان و در امر بازرگانی کشور پدید می‏آید با سرانگشت تدبیر بگشایند،زیرا که همهء فعالیتهای اقتصادی کشور نهایتا و حتی مقدمتا،از مسیر بازار عبور می‏کند.تهیه نیازمندیهای صنعتی،معدنی و کشاورزی یک امر بازرگانی است گذران روزمرهء صنایع، معادن و کشاورزی و کارگران و صاحبان مشاغل خدماتی، یک امر بازرگانی است.فراورده‏های تهیه شده و خدمات‏ عرضه شده نیز از طریق فعالیتهای تجاری به دست‏ مصرف‏کننده می‏رسد.اینکه در قران مجید صریحا به‏ حلال بودن تجارت در مقابل تحریم ربا اشاره شده است‏ نشان از اهمیت تجارت دارد.پیامبر بزرگ اسلام‏ صلی الله علیه وآله خود پیش از مبعوث شدن به بالاترین‏ مقام بشری و کسب افتخار خاتم الرسلی،به امر تجارت‏ اشتغال داشت و از همان بزرگوار نقل است که "الکاسب‏ حبیب الله‏"بحق باید گفت بازارها و بازرگانان ما در هر نهضتی که ریشه در معتقدات اسلامی داشته،نشان داده‏اند که آمادهء همه گونه فداکاری هستند.

معهذا می‏توانیم و باید،صادقانه باهم سخن گوئیم.از آنجا که خصلت بازار"خرید برای فروش به قصد بردن سود" بوده و هست،همواره سودجویان درصدد نفوذ در بازار و در جریان دادوستد بوده‏اند و گاه جریان بازار را از مسیر اصلی‏ خود منحرف ساخته،شغل حلال و خداپسند را بصورت فعل‏ حرام احتکار،کم‏فروشی و گران‏فروشی و تدلیس و ایجاد غبن فاحش برای خریدار،درآورده‏اند.متأسفانه بازرگانانی‏ که براساس رویهء اسلامی عمل می‏کنند در برابر این عوامل‏ نفوذی در اقتصاد کشور،سکوت و حتی عقب‏نشینی کرده‏اند که این امر کل بازار و بازرگانان را زیر سؤال برده است. اعتماد عمومی بازار خدشه‏دار شده و اصول‏"برائت‏"و "اصالت الصحه‏"جای خود را به اصل‏"شک و تردید"سپرده‏ است.باور عمومی این شده است که از بازار مغبون بیرون‏ می‏آیند،مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.و با کمال تأسف‏ باید بگوئیم در اکثر موارد حق با خریداران است.

آنچه ما در پی آن هستیم اینست که کار و کسب را به‏ روال حلال اسلامی آن‏که عدل و انصاف جزء جدانشدنی‏ آن است باز گردانیم و چنانچه گرفتاریهای ریشه‏ای وجود داشته باشد نیز با تمام تلاش در راه‏حل آنها بکوشیم.لیکن‏ از هم‏اکنون باید با صراحت و قاطعیت بگوئیم در این راه‏ توفیق بدست نخواهیم آورد مگر اینکه بازرگانان سراسر کشور در این راه صمیمانه همکاری کنند و خود در طرد عناصر سودجو و فرصت‏طلب از جریان دادوستد شرعی و قانونی،پیشقدم شوند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بعنوان تنها سازمان‏ قانونی فعالین اقتصادی کشور همواره از روال صحیح و توسعهء معقول فعالیتهای اقتصادی کشور و توسعهء رفاه‏ عمومی و عدالت اجتماعی پشتیبانی کرده و از این پس نیز چنین خواهد کرد.طبعا"این رسالت می‏طلبد که کار تجارت،صنعت،معدن،کشاورزی و خدمات وابسته به آنها در دست کسانی باشد که پیرو اخلاق اسلامی بوده و تمام‏ نکات مورد قبول اخلاق اسلامی را رعایت کنند و از آنچه‏ نهی شده،پرهیز کنند.بدیهی است نقش اتاق،نقش‏ مشورتی و ارشادی است.از یک سو براساس قانون‏ اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن کشور می‏باید به قوای‏ سه‏گانه نظر مشورتی بدهد،از سوی دیگر رابط بخش‏ خصوصی و دولتی باشد و به تفاهم بین بخش دولتی و خصوصی کمک نماید و در معضلات بازرگانی و اقتصادی‏ نظرات بخش خصوصی را دریافت داشته،روی آن کار کارشناسی انجام دهد و نتیجه را به قوای سه‏گانه-حسب‏ مورد-گزارش دهد و کار را پیگیری نماید.

متوجه شده‏ایم که بسیاری از فعالین اقتصادی بعلت‏ گرفتاریهای زیاد فرصت مطالعهء زیاد و غور در کتابها و مأخذ گوناگون مربوط به کار و کسب و مسائل مربوط به آنرا ندارند و از این جهت هم با دانش روز فاصله دارند و هم‏ نسبت به اخلاق کار و کسب در اسلام نیاز به بازآموزی‏ دارند-و حقیقت اینست که هیچیک از ما،در هیچ‏ زمینه‏ای،از آغاز تا پایان زندگی از آموختن بی‏نیاز نیستیم. "چنین گفت پیغمبر راستگوی-زگهواره تا گور دانش‏ بجوی‏"(اطلب العلم من المهدالی اللحد"-اطلب العلم‏ و لوبالسین).از این روی در هیأت تحریریه‏"نامه اتاق‏ بازرگانی‏"تصمیم گرفتیم در هر دو زمینه یعنی جنبه‏های‏ فنی و عملی فعالیتهای بازرگانی،صنعتی،معدنی، کشاورزی و خدمات وابسته در زمان حال،مطالبی آموزنده‏ درج نمائیم و از دیگر سو،در زمینه کار و کسب در اسلام‏ بحثهای آموزشی را مطرح کنیم تا از این طریق به شکل‏ جامع و مانعی مسائل ضروری و اساسی بازآموزی یا یادآوری شود.

بازرگانان خصلتا"افرادی مسالمت‏جو هستند زیرا که در سایه صلح،آرامش و امنیت می‏توانند کار و کسب خود را رونق بخشند.این خصلت در عین حال گاه سبب میشود که‏ نسبت به جریاناتی که پیرامون آنها می‏گذرد،بی‏تفاوت‏ بمانند که نمونهء بارز آن نفوذ سودا پیشگان غیربازرگان در جریان کار و کسب است.وجود این عناصر نهایتا"بضرر کل‏ جامعهء بازرگانی کشور است.بگفته سعدی شیراز:"چو از قومی یکی بیدانشی کرد-نه که را منزلت ماند نه مه را".

در فرهنگ ایران هر چیز"ادب‏"خاص خود را دارد.حتی‏ "ادب‏"کار و کسب که یک امر اجتماعی است،طبیعتا"بیش‏ از آنچه جنبه فردی دارد،اهمیت می‏یابد.نظام صنفی‏ قرنها در ایران سابقه دارد و ادب و سننی را مقرر داشته‏ است که اصناف ناگزیر از رعایت آنها هستند.در گذشته اگر کسی از نظام مقرر-که بوسیلهء ریش‏سفیدان هر صنف و در چارچوب واقعیتهای تجربی شکل گرفته بود-تخلف‏ می‏کرد،از صنف مربوط طرد می‏شد.به این ترتیب اصناف‏ خودشان مراقب حد و مرز شناخته شده و به رسمیت‏ شناخته شده بودند.مشتری هم با اطمینان خاطر و با اعتماد،دادوستد می‏کرد.بزرگترها بیاد دارند که طلا و نقره‏ و جواهرآلات گاه در برابر یک رسید معمولی که به آن پته‏ می‏گفتند نزد زرگر به گرو گذاشته می‏شد تا نیاز فوری رفع‏ شود،پس از پرداخت پول و پته،طلا،نقره و جواهر عینا" پس گرفته می‏شد.تقریبا"هیچ نوع تخلفی دیده نمی‏شد. در حقیقت نظارت گروهی و صنفی و دفاع از منافع جمعی و پذیرفتن و احترام گذاشتن به حرمت شغلی،نقش‏ بازدارنده‏ای در ارتکاب تخلف ایفا می‏کرد.باید اعتراف‏ کنیم که نظام صنفی در بین صنعتگران،منسجم‏تر از بازرگانان بوده است،معهذا بازرگانان نیز قواعد سنجیده‏ خود را داشتند که هنوز هم در بین بازرگانان واقعی و با ایمان رایج است.برای مثال کالای بادوامی مثل فرش،ولو آنکه یک هفته در خانه‏ای بعنوان خرید قطعی پهن شده‏ باشد،دیگر فرش دست‏اول محسوب نمی‏شود و فروشنده‏ اخلاقا"ملزم است خریدار را آگاه کند،در حالیکه می‏دانیم‏ عمر متوسط فرش دستبافت ایران(البته فرش اصیل مورد نظر است)یکصد سال است.یا اینکه فروشنده ملزم است‏ خریدار را از معایب جنسی که می‏فروشد آگاه کند یا به او فاکتور فروش بدهد.در بازار فرش و جواهرآلات هنوز رسم‏ فاکتور دادن کم و بیش رعایت می‏شود زیرا برای فروش‏ بعدی نیاز به ارائه چنین فاکتوری است.بهر صورت اینها نمونه‏هائی است از آنکه هر کار و کسبی،راه و رسمی دارد.

خصلت دادوستد یا تجارت‏"عقد"بودن آن است."عقد" دو طرف دارد.و شرط اصلی آن ایجاب و قبول است.این‏ شرط اصلی خود موکول به شروط دیگری است مانند اهلیت‏ طرفین معامله‏"و روشن بودن کمیت و کیفیت‏"ثمن‏"و "مثمن‏"و تسلیم قسمتی از یکی از این دو به طرف مقابل و داشتن قدرت تسلیم به حکم عقل و البته حلال بودن و قانونی بودن مورد معامله.هر یک از این نکات نیز دارای‏ ظرائف و دقایق خاص خود می‏باشد که انشا الله بموقع‏ تشریح خواهد شد تابعون الله تعالی بصورت یک دورهء کامل معاملات در اسلام و در فقه شیعه و حقوق مدنی‏ کشورمان در اختیار خوانندگان‏"نامه اتاق بازرگانی‏"قرار گیرد.

در این مقدمه لازمست توضیح دهیم وقتی از بازار صحبت می‏کنیم فقط فضای جغرافیائی مسقف را که‏ دکانها و حجره‏ها و سراها از دو طرف آنرا احاطه کرده‏اند در نظر نداریم،بلکه کل نظام دادوستد یعنی خرید و فروش‏ اعم از کلی و جزئی و داخلی و خارجی را در نظر داریم-به‏ این ترتیب بازار در معنی وسیع آن موردنظر ماست.لیکن‏ به ملاحظاتی که در شروع بحث مورد اشاره قرار گرفت، بازار بمعنای فضای جغرافیائی و فیزیکی خاص نیز نمی‏تواند از پهنه مطالعات ما بر کنار باشد.بازار با ساختمان‏ متمرکز خود که معمولا"با بناهای دیگری مانند ارگ‏ حکومتی-مسجد و پادگانهای نظامی یا حد اقل میدان‏ رژه در یک فضای جغرافیائی واحدی ساخته می‏شده،به‏ شهرهای ایران-و شهرهای اسلامی-خصلت خاصی‏ می‏داده.مجموعهء مسکونی و بناهای دولتی در اطراف این‏ هستهء اصلی ایجاد می‏شده است،این هسته علاوه بر مرکزیت قدرت سیاسی،مذهبی-اقتصادی و نظامی، مرکزیت جغرافیائی شهر را هم به دست می‏آورده است.

بحث بازار،طبعا"ما را به آنچه در بازار می‏گذرد.یعنی‏ خرید و فروش و بازاریابی و بازارداری می‏کشاند که هر یک بنوبهء خود قوانین و نظامات و راه و رسم خود را دارد که‏ انشا الله در سال جدید"نامهء اتاق بازرگانی‏"به این مباحث‏ خواهد پرداخت.

هدف از مجموعهء آنچه در نظر است در زمینه‏های مورد اشاره صورت گیرد اینست که برداشتهای غلطی که در مورد بازار و بازرگانان وجود دارد اصلاح شود و از دیگر سو رفتارهای غلطی که در بازار و در میان برخی بازاریان رسوخ‏ یافته است،از میان برداشته شود و در این رکن اساسی‏ اقتصاد داخلی و خارجی کشور،آنچه که هست و آنچه باید باشد به وضوح نشان داده شود.

تلاش بر این است که در هر زمینه از متخصصان کمک‏ گرفته شود.از هم اکنون از همهء دست‏اندرکاران و متخصصان زمینه‏های یاد شده دعوت می‏کنیم با"نامهء اتاق بازرگانی‏"برای به ثمر رساندن این برنامه جامع‏ همکاری و همفکری نمایند.